


Food For Thought Afghanistan



BY: AHMAD RESHAD ATTAI

این دوره به همت و کوشش های شبانه روزی آقای احمد رشاد عطایی
(یکی از موسسین و بنیانگذاران نهاد Food for Thought Afghanistan) برگزار شده است.

مدرس دوره: دکتر نرگس تیموری

۲۰۲۶

مفهوم خشونت خانگی

به هر نوع خشونتی گفته می‌شود که در محیط خانوادگی رخ می‌دهد؛ مثل زندگی زناشویی یا هم‌خانگی. در معنایی وسیع‌تر، حتی سوء رفتارهای غیرفیزیکی در این محیط‌ها نیز **سواستفاده خانگی** نامیده می‌شود. اصطلاح «خشونت خانگی» اغلب به جای «خشونت شریک عاطفی» استفاده می‌شود؛ یعنی زمانی که یکی از افراد در یک رابطه نزدیک (فعلی یا سابق) علیه دیگری مرتکب خشونت می‌شود. این نوع خشونت می‌تواند شامل رفتارهایی علیه اعضای خانواده مثل فرزند، خواهر یا برادر، یا والدین هم باشد.

یا خشونت خانگی عبارت است از بدرفتاری جسمی، جنسی و روانی، از قبیل منزوی کردن اجباری، محروم ساختن از حمایت و تهدید به آسیب رسانی. این تعریف در بردارنده مفاهیم قصد عمدی و انجام عملی آگاهانه، استفاده از زور و غلبه، حالت تند و شدت، تعرض، تعدی و حمله به دیگران، آزار و آسیب رساندن به دیگران است. قرار گرفتن در معرض سوء استفاده جسمی و جنسی و شاهد خشونت خانگی بودن در دوران کودکی، افکار و اقدام به خودکشی را افزایش می‌دهد. کودکان در معرض خشونت خانگی اغلب دارای مسائل عاطفی و رفتاری، افت تحصیلی و ترک تحصیل هستند. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که تجربه خشونت در کودکان و نوجوانان همراه با آسیب‌های عمیق جسمانی، عاطفی و اجتماعی است و سلامت رفتاری و عاطفی، توانایی‌های شناختی و نگرش کودکان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ این کودکان در مقایسه با کودکانی که در محیط‌های سالم و بدون خشونت رشد یافته‌اند، سلامت رفتاری و عاطفی کمتری دارند.

اشکال مختلف سوء استفاده خانگی شامل خشونت فیزیکی، کلامی، روانی، مالی، مذهبی، جنسی، و تولیدمثلی می‌شود. این خشونت‌ها می‌توانند از رفتارهای ظریف و کنترل‌گرانه شروع شده و تا تجاوز به همسر، خفه کردن، ضرب و جرح، ناقص‌سازی جنسی زنان، یا اسیدپاشی که ممکن است به نقص عضو یا مرگ منجر شود، گسترش یابند. همچنین، استفاده از فناوری برای مزاحمت، کنترل، جاسوسی، یا هک نیز جزو خشونت خانگی محسوب می‌شود. قتل‌های خانگی نیز شامل سنگسار، سوزاندن عروس، قتل‌های ناموسی، و مرگ جهیزیه‌ای هستند؛ که گاه توسط اعضای خانواده‌ای انجام می‌شود که با قربانی هم‌خانه نیستند. در سال ۲۰۱۵، وزارت کشور بریتانیا تعریف خشونت خانگی را گسترش داد و «کنترل قهری» را هم به آن افزود.

در سراسر جهان، قربانیان اصلی خشونت خانگی عمدتاً زنان هستند و زنان معمولاً شکل‌های شدیدتری از خشونت را تجربه می‌کنند. سازمان جهانی بهداشت تخمین زده که از هر سه زن، یکی در طول زندگی خود با خشونت خانگی مواجه می‌شود. در برخی کشورها، خشونت خانگی علیه زنان به‌ویژه در موارد خیانت واقعی یا مشکوک به خیانت، موجه یا حتی قانونی تلقی می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که بین شاخص نابرابری جنسیتی یک کشور و میزان خشونت خانگی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ هرچه نابرابری بیشتر، خشونت خانگی شدیدتر است. خشونت خانگی، هم برای زنان و هم مردان یکی از کم‌گزارش‌شده‌ترین جنایات در جهان است.

این خشونت معمولاً زمانی رخ می‌دهد که فرد سوءاستفاده‌گر احساس می‌کند به چنین رفتاری حق دارد، یا آن را موجه، پذیرفتنی یا غیرقابل پیگیری می‌داند. چنین رفتاری می‌تواند چرخه‌ای نسلی از خشونت ایجاد کند که طی آن کودکان یا دیگر اعضای خانواده نیز چنین رفتارهایی را نرمال و پذیرفتنی بدانند. بسیاری از افراد، خود را قربانی یا عامل خشونت نمی‌دانند، چون فکر می‌کنند دعوای و تنش‌های خانوادگی از کنترل خارج شده‌اند، نه اینکه مصداق خشونت باشند. آگاهی، برداشت، تعریف و ثبت قانونی خشونت خانگی از کشوری به کشور دیگر تفاوت دارد. همچنین خشونت خانگی اغلب در بستر ازدواج‌های اجباری یا ازدواج‌های زود هنگام اتفاق می‌افتد.

در روابط خشونت‌آمیز، معمولاً چرخه‌ای از خشونت وجود دارد: ابتدا تنش افزایش می‌یابد، سپس خشونت رخ می‌دهد، بعد از آن دوره‌ای از آرامش و آسستی پیش می‌آید. قربانیان ممکن است به دلایل مختلفی مانند انزوا، تسلط روانی، پیوندهای عاطفی بیمارگونه با فرد سوءاستفاده‌گر، فشار فرهنگی، فقر، ترس، شرم، یا برای محافظت از فرزندان در این وضعیت گیر بیفتند. نتیجه این خشونت می‌تواند شامل ناتوانی جسمی، پرخاشگری ناپایدار، بیماری‌های مزمن، مشکلات روانی، بی‌پولی، و ناتوانی در شکل‌دادن به روابط سالم باشد. اختلالات شدید روانی مثل اختلال استرس پس از سانحه نیز ممکن است رخ دهد. کودکانی که در محیط پرخشونت بزرگ می‌شوند، معمولاً از سنین پایین علائم روانی نشان می‌دهند: مثل اجتناب، حساسیت بیش از حد به تهدید، و پرخاشگری ناهنجار؛ که می‌تواند منجر به آسیب‌پذیری روانی ثانویه شود.

ریشه‌یابی و تعاریف

اولین استفاده از واژه خشونت خانگی در متون امروزی با مفهوم خشونت در خانه ظاهر شد و در خطاب به پارلمان انگلستان توسط جک اشلی در ۱۹۷۳ بود. به طور سنتی، خشونت خانگی (DV) بیشتر همراه با خشونت فیزیکی بوده است مانند سوء استفاده از همسر و ضرب و شتم او، اما با افزودن افراد مجرد، سوء استفاده‌های غیر فیزیکی، مجرمان زن، و خشونت در روابط بین افراد با جنسیت یکسان به این آمار از محبوبیت نظریه سنتی کاسته شده است.

چرخه

- **فاز اول - تنش**: فرد مهاجم عصبانی شده، شروع به تهدید می‌کند و سکوت سنگینی را به قربانی تحمیل می‌کند. قربانی تلاش می‌کند فضا را آرام کند و در رفتار و گفتار خود دقت کند تا مهاجم را خشمگین تر نکند.
- **فاز دوم - بحران**: فرد مهاجم خشونت جسمی، جنسی، روانی اقتصادی و کلامی را اعمال می‌کند. قربانی احساس تحقیر شدگی می‌کند و خود را در وضعیتی غیر عادلانه گرفتار می‌بیند.
- **فاز سوم - توجیه**: فرد مهاجم تلاش می‌کند رفتار خشن خود را توجیه کند. قربانی تلاش می‌کند تا این توضیحات را درک کند. در مورد رفتار و گفتار خودش دچار شک می‌شود و خود را مسئول وضع پیش آمده احساس می‌کند.
- **فاز چهارم - ماه عسل**: مهاجم پوزش می‌خواهد، درخواست کمک می‌کند یا حتی سخن از خودکشی به میان می‌آورد. قربانی به او شانس دیگری می‌دهد، به مهاجمش کمک می‌کند و تلاش می‌کند تا رفتار خود را تغییر دهد. قربانی با پذیرش ضمنی اینکه رفتارش باید تغییر کند، بهانه را برای ایجاد خشونت روانی بعدی می‌دهد و به صورت تدریجی در موضع مورد خشونت واقع شده تثبیت می‌شود.

گونه‌ها

- خشونت فیزیکی: تنبیه بدنی، قطع عضو، قتل
 - خشونت جنسی: تجاوز جنسی، سوءاستفاده جنسی، قوادی
 - خشونت روانی: باج خواهی، توهین، تحقیر، تهدید، حسادت، شک
 - محرومیت و محدودیت: از بین بردن استقلال مالی، مصادره اموال، از خود بیگانگی
- شایع‌ترین نوع خشونت در میان گونه‌های خشونت خانگی، خشونت روانی (توهین و تحقیر) است.

اثرات خشونت

خشونت علیه زنان می‌تواند منجر به صدمات و مشکلات جدی جسمی، روانی، جنسی و تولید مثلی از جمله عفونت‌های مقاربتی، اچ‌آی‌وی و حاملگی‌های غیرمترقبه شود. در موارد شدید، خشونت علیه زنان می‌تواند منجر به مرگ شود. خشونت خانگی یک آسیب اجتماعی است که به سلامت جسمی و روانی قربانی و کل خانواده صدمه می‌زند و اثرات آن می‌تواند سالها حتی پس از توقف خشونت ادامه داشته باشد. همچنین، خشونت روی سلامت و رشد ذهنی، اجتماعی و هیجانی کودکان و نوجوانانی که شاهد یا قربانی خشونت خانگی هستند تأثیر گذاشته و می‌تواند یک عامل خطر برای سوء مصرف مواد و الکل، پرخاشگری و خشونت و بزهکاری و انواع مشکلات روان‌شناختی در بزرگسالی باشد.

اثرات جسمی

سوءاستفاده جسمی نوعی خشونت است که باعث به وجود آمدن ترس، درد، آسیب، و دیگر صدمات فیزیکی یا بدنی می‌گردد. در قسمت کنترل اجباری، سوءاستفاده فیزیکی به معنی کنترل کردن قربانی است. پویایی سوءاستفاده جنسی در یک رابطه اغلب پیچیده است. خشونت فیزیکی می‌تواند حاصل دیگر رفتارهای توهین آمیز مانند تهدید، ترساندن، محدود کردن قربانی و منزوی کردن وی، دستکاری، و دیگر محدودیت‌های فردی باشد. امتناع از بهره‌گیری از خدمات پزشکی، محرومیت از خواب، و اجبار به مصرف مواد مخدر یا الکل نیز گونه‌های دیگری از سوءاستفاده فیزیکی است. برای وارد کردن آسیب‌های روحی به قربانی، ممکن است دیگر افراد مانند بچه‌ها و حیوانات خانگی نیز هدف قرار گرفته شوند.

انواع شکستگی‌ها و ضرب دیدگی‌های قسمت‌های مختلف بدن، کبودی‌ها، زخم‌ها و خراشیدگی‌ها، عفونت‌های زنانه است.

اثرات روانی

عوارض روانی خشونت بسیار متعدد و متفاوت است و شامل انواع مختلفی از مشکلات مانند اضطراب، ترس، خشم و نفرت، ناامیدی و افسردگی، احساس حقارت، درماندگی و عدم اعتماد به نفس و احساس تنهایی بوده و در موارد شدید ممکن است منجر به اختلال استرس پس از سانحه شود. همچنین از دیگر اثرات خشونت، می‌توان به انواع مختلف دردهای روان تنی مانند سردردهای مزمن، مشکلات گوارشی و مشکلات تنفسی اشاره کرد

جنسی

طبق تعریف سازمان جهانی سلامت، سوءاستفاده جنسی به هر گونه رفتار جنسی که در آن اجبار، داد و ستد یا عدم رضایت فرد باشد گفته می‌شود که شامل معاینه اجباری دوشیزگی یا معیوب بودن تناسلی زن نیز می‌شود. به غیر از اجبار فیزیکی به شروع رفتارهای جنسی، سوءاستفاده جنسی زمانی که فردی به صورت کلامی نیز مجبور به رضایت دادن گردد صورت می‌پذیرد، چراکه قادر به درک شرایط یا ماهیت رفتار نبوده و در نتیجه نمی‌تواند مشارکت را رد کرده، و یا نمی‌تواند عدم رضایت خود را برای مشارکت در استفاده مواد بیان کند.

اقتصادی

سوءاستفاده اقتصادی (سوءاستفاده مالی) نوعی از سوءاستفاده است که یک شریک خودمانی یا محرم کنترل دسترسی شریک خود را به منبع مالی در دست بگیرد. دارایی‌های زناشویی می‌تواند به عنوان ابزاری برای کنترل مورد استفاده قرار گیرد. سوءاستفاده اقتصادی می‌تواند شامل جلوگیری از همسر در استفاده از سرمایه، محدود سازی دسترسی و محرومیت از امکانات و منابع مالی باشد.

اثرات بر فرزندان

فرزندانی که شاهد خشونت خانگی هستند، همواره دچار ضربه‌های عاطفی می‌شوند که در زندگی آن‌ها تأثیر بسزایی خواهد داشت. این فرزندان از اختلال استرسی پس از ضایعه روانی رنج می‌برند؛ تمرکز خود را از دست می‌دهند و دچار بی‌خوابی، بی‌اشتهایی و تأخیر در رشد می‌شوند.

در مورد این فرزندان به اشتباه، تشخیص کمبود محبت داده می‌شود و از آن‌ها پرسش نمی‌شود که آیا شاهد خشونت بوده‌اند یا خیر. فرزندانی که شاهد خشونت والدین خود بر دیگری بوده‌اند، به احتمال بسیار، خود نیز در زندگی زناشویی آینده این خشونت را بازتولید خواهند کرد. افسرده‌خویی، اعتیاد به مواد مخدر، نوشیدنی‌های الکلی، بزهکاری و فرار از خانه در میان آنان شایع‌تر است. در نهایت اینکه فرزندانی که شاهد خشونت جسمی و جنسی هستند، خود نیز می‌توانند قربانی این خشونت‌ها باشند.

عوامل خطر

تحصیلات پایین، بیکاری، مصرف الکل و مواد، اعتماد به نفس پایین، درآمد کم، سابقه بزهکاری و پرخاشگری در نوجوانی، تجربه خشونت در کودکی یا دیدن رفتارهای پرخاشگرانه پدر و انزوای اجتماعی از عواملی است که احتمال خشونت را در مردان افزایش می‌دهد.

عامل خطر در معرض خطر بودن عبارت است از: جوان بودن یا پایین بودن سن زن در هنگام ازدواج، تحصیلات پایین، شاغل نبودن و نداشتن استقلال مالی، باردار بودن، تعداد بیشتر بچه‌ها، بیماری یا معلولیت و شاهد خشونت خانگی بودن در کودکی.

در برابر خشونت چه کنیم؟

ممکن است کمک به خانواده، دوستان و همسایگان راهگشا باشد، از یک خط تلفن دائم یا در صورت امن بودن، از خدمات آنلاین برای بازماندگان خشونت استفاده کنید. دریابید که خدمات محلی (به عنوان مثال پناهگاه‌ها، مشاوره) باز است و در صورت وجود به آن‌ها دسترسی پیدا کنید.

در صورت تشدید خشونت علیه شما یا فرزندانان برنامه ایمنی تهیه کنید. این شامل:

- در صورت نیاز به ترک فوری خانه، از قبل همسایه، دوست، اقوام، همکار یا پناهگاه خود را برای مراجعه شناسایی کنید.
- برای اینکه چگونه با خیال راحت از خانه خارج شوید و چگونه به آنجا برسید (برای مثال حمل و نقل) برنامه‌ای داشته باشید.
- چند مورد ضروری (به عنوان مثال اسناد شناسایی، تلفن، پول، دارو و لباس) را در دسترس قرار دهید و لیستی از شماره تلفن‌های لازم در صورت بروز شرایط اضطراری در اختیار داشته باشید.
- از طریق تلفن، ایمیل، متن و غیره با خانواده و دوستان تماس برقرار کرده و از آن‌ها حمایت دریافت کنید.
- سعی کنید کارهای روزمره را حفظ کنید و برای فعالیت بدنی و خواب وقت بگذارید.
- برای تسکین افکار و احساسات از تمرینات آرامش‌بخش مثل تنفس آهسته، مراقبه و آرامش عضلات استفاده کنید.
- درگیر فعالیت‌هایی باشید که برای مدیریت اضطراب توصیه شده‌اند.
- به پزشکتان شرایط خود را اطلاع دهید

گزارش جهانی خشونت علیه زنان

نتیجه پژوهش‌های سازمان جهانی بهداشت نشان می‌دهد که در هر ۱۸ ثانیه یک زن مورد آزار قرار می‌گیرد و باردار بودن زنان هم آن‌ها را از خشونت مصون نمی‌دارد. خشونت خانگی امری است پنهان متأسفانه در برخی کشورها به دلیل عدم حمایت از قربانیان بسیاری از این خشونت‌ها گزارش نمی‌شود. همه جای دنیا کم و بیش زنان در معرض خشونت هستند. ۳۰ تا ۳۵ درصد زنان آمریکایی مورد آزار جسمی همسران خود هستند و ۱۵ تا ۲۵ درصد آن‌ها در هنگام بارداری مورد ضرب و شتم واقع می‌شوند همچنین از هر ده قربانی زن سه نفر توسط

شوهران یا سایر مردان به قتل می‌رسند. در هند ۴۱٪ زنان در اثر آزار جسمی همسرانشان دست به خودکشی می‌زنند. در بنگلادش ۵۰٪ قتل‌ها ناشی از خشونت مردان است و در شیلی ۶۳٪ زنان مورد آزار جسمی قرار می‌گیرند.

ختن چیزی که ممکن است قربانی از آن استفاده کند، و یا استثمار کردن منابع اقتصادی قربانی باشد.

خشونت علیه زنان در افغانستان

[طالبان](#) در زمان قدرت در [افغانستان](#) به دلیل [زن‌ستیزی](#) و [خشونت علیه زنان](#) در سطح بین‌المللی مشهور شد. اکنون که طالبان دوباره بیشتر [افغانستان](#) را تصرف کرده‌است، نگرانی‌های زیادی در مورد زنان وجود دارد.

[زنان در افغانستان](#) مجبور بودند همیشه در ملاء عام [برقع](#) بپوشند، زیرا به گفته یکی از سخنگویان طالبان، «چهره یک زن منبع فساد برای مردان است».

زنان اجازه کار نداشتند، پس از هشت سالگی اجازه تحصیل نداشتند و تا آن زمان فقط به مطالعه [قرآن](#) مجاز بودند.

زنانی که به دنبال تحصیل بودند مجبور به تحصیل در مدارس زیرزمینی شدند، وضعیت به طوری و معلمانشان در صورت گرفتار شدن با آنها [اعدام](#) می‌شدند

مجاز نبودند توسط پزشکان مرد تحت [درمان](#) قرار گیرند مگر با همراهی یک سرپرست مرد یا «[محرّم](#)» که منجر به عدم درمان بیماری‌ها می‌شود.

آنها به دلیل نقض قوانین طالبان با [شلاق](#) و [اعدام](#) عمومی روبه‌رو شدند. طالبان اجازه [ازدواج](#) و در مواردی تشویق به [ازدواج دختران زیر ۱۶ سال](#) را داد.

[عفو بین‌الملل](#) گزارش داد که ۸۰ درصد ازدواج‌های زنان افغان [اجباری](#) بوده‌است.

در اواخر سپتامبر ۲۰۲۲، [طالبان](#) ممنوعیتی را برای حضور زنان در [دانشگاه](#) و کار در سازمان‌های غیردولتی وضع کرد.

از هشت سالگی به بعد، دختران در افغانستان مجاز به تماس مستقیم با مردان غیر از «خویشاوند»، شوهر یا شوهرخواهرش نبودند. سایر محدودیت‌ها برای زنان عبارت بودند از:

- زنان نباید بدون خویشاوند خونی یا بدون برقع در خیابان‌ها ظاهر شوند.
 - زنان نباید کفش پاشنه‌بلند بپوشند زیرا هیچ مردی نباید صدای پای زن را بشنود تا مبادا این کار او را هیجان‌زده یا تحریک کند.
 - زنان نباید در ملاء عام بلند صحبت کنند زیرا هیچ فرد غریبه‌ای نباید صدای زن را بشنود
 - تمام پنجره‌های مسکونی همکف و طبقه اول باید رنگ آمیزی شده یا روی آن‌ها پوشیده شود تا از دیده شدن زنان از سوی خیابان جلوگیری شود.
 - عکاسی، فیلمبرداری و نمایش تصاویر زنان در روزنامه‌ها، کتاب‌ها، مغازه‌ها یا خانه ممنوع شد.
 - اصلاح هر نام مکانی که شامل کلمه «زنان» می‌شد. به عنوان مثال، «باغ زنان» به «باغ بهار» تغییر نام داد.
 - حضور زنان در بالکن آپارتمان‌ها یا خانه‌هایشان ممنوع بود.
 - ممنوعیت حضور زنان در رادیو، تلویزیون یا در هر نوع تجمع عمومی.
 - ممنوعیت دوچرخه‌سواری یا استفاده موتورسیکلت برای زنان، حتی با محرم بودن آن‌ها.
 - سوار شدن تاکسی‌ها بدون محرم برای زنان ممنوع بود.
 - خدمات جداگانه اتوبوس برای جلوگیری از تردد مردان و زنان در یک اتوبوس معرفی شد.
- زندگی زنان روستایی کمتر تحت تأثیر قرار گرفت زیرا آن‌ها عموماً در محیط‌های خویشاوندی امن زندگی می‌کردند و کار می‌کردند. سطح نسبی آزادی برای ادامه کار یا کارشان ضروری بود. اگر این زنان به شهرهای نزدیک سفر می‌کردند، همان محدودیت‌های شهری برای آن‌ها اعمال می‌شد.

وضعیت استخدام

طالبان با قوانین گذشته افغانستان که اجازه می‌داد زنان افغان در محل کار جنسی مختلط کار کنند، مخالف بودند. ادعا این بود که این نقض قوانین و احکام اسلام است.

ممنوعیت اشتغال زنان. تخمین زده می‌شود که ۲۵ درصد از کارمندان دولت زن بودند و وقتی تلفات در بخش‌های دیگر به وجود می‌آمد، هزاران زن تحت تأثیر قرار می‌گرفتند.

ضرر دیگر برای کسانی بود که زنان شاغل به آن‌ها خدمت می‌کردند. تحصیلات ابتدایی همه کودکان، نه فقط دختران، در کابل تعطیل شد، جایی که تقریباً همه معلمان مدارس ابتدایی زن بودند. پس از تصرف شهر، طالبان هزاران خانواده^۱ تحصیل کرده از کابل به پاکستان گریختند.

صلاحیت قانون‌گذاری اغلب بر عهده^۲ مردان بود، مانند کمک‌های غذایی که باید توسط یکی از اقوام مرد جمع‌آوری می‌شد.

متخصصان بهداشت زن از ممنوعیت اشتغال معاف بودند، اما در شرایط بسیار محدودی فعالیت می‌کردند. آزار و اذیت گسترده باعث شد برخی از زنان با انتخاب خود شغل خود را ترک کنند. از بین کسانی که باقی ماندند، بسیاری از آن‌ها با ترس از رژیم طالبان زندگی می‌کردند.

وضعیت آموزش و تحصیلات

طالبان ادعا کردند که وظیفه اسلامی خود را در زمینه آموزش به دختران و پسران به رسمیت می‌شناسند، اما حکمی مبنی بر ممنوعیت تحصیل دختران بالای ۸ سال به تصویب رسید. طالبان تأکید کرد که این فقط یک تعلیق موقت است و زنان هنگامی که امکانات و امنیت خیابانی برای جلوگیری از تماس جنسیتی مناسب می‌شود، به مدرسه و کار بازمی‌گردند.

علما برای تعیین محتوای برنامه درسی باید متون اسلامی درس داده شود

مراقبت‌های بهداشتی

پزشکان مرد اجازه ندارند زنان را در بیمارستان‌ها معالجه کنند،

بسیاری از زنان به دلیل عدم درمان، رنج طولانی مدت یا با مرگ زودرس مواجه می‌شدند. برای خانواده‌هایی که امکانات، تمایل و حمایت محرم داشتند، می‌توان در پاکستان به دنبال مراقبت‌های پزشکی بود .

دسترسی زنان به حمام سنتی و عمومی ممنوع شد، زیرا وجود این حمام‌ها غیر اسلامی اعلام شد. و این باعث شد که سازمان ملل بتواند افزایش گال و عفونت‌های را در بین زنانی شد.

حبس خانگی

استرس روانی، انزوا و افسردگی که اغلب با حبس اجباری زنان همراه بود، بر هماهنگی خانواده تأثیر منفی گذاشت. یک نظرسنجی از ۱۶۰ زن به این نتیجه رسید که ۹۷ درصد علائم افسردگی جدی را نشان می‌دهند و ۷۱ درصد کاهش رفاه بدنی خود را گزارش کرده‌اند. لطیفه، ساکن و نویسنده اهل کابل، نوشت:

این آپارتمان شبیه زندان یا بیمارستان است. سکوت بر همه ما سنگینی می‌کند. از آنجا که هیچ کدام از ما کارهای زیادی انجام نمی‌دهیم، چیزهای زیادی برای گفتن به یکدیگر نداریم. هر کدام از ما قادر به اشتراک گذاری احساسات خود نیستیم، هر کدام خود را در ترس و ناراحتی خود محصور می‌کنیم. از آنجایی که همه در یک گودال سیاه قرار دارند، تکرار مکرر چندان فایده‌ای ندارد که به وضوح نتوانیم ببینیم. طالبان سالن‌های زیبایی کشور را بستند. استفاده از لوازم آرایشی مانند لاک ناخن و آرایش ممنوع بود.

محدودیت‌های طالبان برای حضور فرهنگی زنان چندین حوزه را تحت پوشش قرار داد. نام مکان‌ها شامل کلمه «زن» به گونه‌ای تغییر کرد که از این کلمه استفاده نشده‌است. اخیراً زنان از خندیدن با صدای بلند منع شده زیرا شنیدن صدای زن برای غریبه نامناسب و تحریک‌آمیز تلقی می‌شد. زنان از شرکت در ورزش یا ورود به یک باشگاه ورزشی منع شدند.

مجازات

مجازات‌ها غالباً به صورت علنی اجرا می‌شد، یا به عنوان نمایش رسمی در استادیوم‌های ورزشی یا میدان‌های شهر یا ضرب و شتم خودجوش خیابانی. غیرنظامیان از ترس مجازات‌های سخت زندگی می‌کردند زیرا بخشش کمی وجود داشت. زنانی که با نقض احکام دستگیر می‌شدند، اغلب با آن‌ها با خشونت شدید برخورد می‌شد مثال‌ها:

- در اکتبر ۱۹۹۶، نوک انگشت شست یک زن به دلیل استفاده از لاک ناخن قطع شد.
- در دسامبر ۱۹۹۶، رادیو شریعت اعلام کرد که ۲۲۵ زن کابلی به دلیل نقض قوانین لباس شرعی دستگیر و مجازات شده‌اند. این حکم توسط یک دادگاه صادر شد و زنان به ضربه به پاها و پشت تنبیه شدند.
- در ماه مه ۱۹۹۷، پنج کارمند زن بین‌المللی CARE با مجوز وزارت کشور برای انجام تحقیقات برای برنامه تغذیه اضطراری توسط اعضای پلیس مذهبی از خودرو خود به زور پیاده شدند. نگهبانان قبل از

- ضربه زدن به [تازیانه](#) فلزی و چرمی به طول بیش از ۱۰۵ متر (تقریباً ۵ فوت)، از یک سیستم آدرس دهی عمومی برای توهین و آزار زنان استفاده کردند .
- اعدام علنی یک زن معروف به زرمینه توسط طالبان در [ورزشگاه غازی](#)، [کابل](#)، ۱۶ نوامبر ۱۹۹۹. مادر هفت فرزند پس از ضرب و شتم شوهرش در هنگام خواب متهم شناخته شد.
- در سال ۱۹۹۹، مادر هفت فرزند به دلیل قتل همسرش در مقابل ۳۰۰۰۰ تماشاگر در [ورزشگاه غازی اسپورت](#) کابل اعدام شد. او سه سال در زندان بود و قبل از اعدام [شکنجه‌های](#) فراوانی شد. با این حال در تلاش برای محافظت از دخترش (که گفته می‌شد مجرم واقعی است) از ابراز بی‌گناهی خود خودداری کرد .
- هنگامی که طالبان متوجه شد که زنی در آپارتمانش یک مدرسه غیررسمی را اداره می‌کند، آن‌ها بچه‌ها را کتک زدند و زن را از پله‌ها به پایین پرت کردند (پایش شکست) و سپس او را زندانی کردند. آن‌ها تهدید کردند که در صورت امتناع از اعلامیه وفاداری به طالبان و قوانین آن‌ها، خانواده او را به‌طور علنی [سنگسار](#) خواهند کرد.
- دختری افغان به نام [بی‌بی عایشه](#) از طریق روش قبیله‌ای برای حل اختلافات به نام باعد به خانواده جدیدی قول داده شد. هنگامی که او از خشونت فرار می‌کرد، دختران اغلب او را تحت فشار قرار می‌دادند، خانواده جدید او را پیدا کردند و یک فرمانده طالبان دستور داد او برای عبرت دیگران مجازات شود، «مبادا دختران دیگر روستا سعی کنند همین کار را انجام دهند.» «گوش و بینی او قطع شد و او در کوهستان برای مردن رها شد، اما زنده ماند
- زنان شاغل تهدید به ترک شغل خود می‌شوند. عدم پیروی از تهدیدهای طالبان منجر به تیراندازی و کشته شدن زنان شده‌است، بسیاری از مجازات‌ها توسط شبه نظامیان فردی بدون مجازات مقامات طالبان اجرا می‌شد، زیرا این امر علیه سیاست رسمی طالبان برای مجازات زنان در خیابان بود. خط رسمی تر مجازات مردان برای موارد بدرفتاری زنان بود: بازتاب جامعه مردسالار و این باور که مردان وظیفه دارند زنان را کنترل کنند.